

از دروازه ماجکان در حلوان تا قلعه سرماج در هرسین:
(ریشه‌شناسی واژه «ماج» و پیشنهادی برای وجه تسمیه دو جاینام باستانی در غرب ایران)
ایرج رضایی^۱

چکیده

این نوشتار با روش تاریخی-توصیفی و بهره‌گیری از پژوهش‌های میدانی به بررسی مفهوم و ریشه واژه «ماج» در دو جاینام باستانی غرب ایران، واقع در استان کرمانشاه پرداخته است. «سرماج» نام روستایی در شهرستان هرسین، در نزدیکی بیستون است که با وجود اهمیت فراوانی که از نقطه نظر تاریخی و باستان‌شناسی دارد، اما ریشه نام و وجه تسمیه آن نامشخص است. بنظر می‌رسد، واژه تعریف شده «ماج» در متون اوایل دوره اسلامی، که هنوز هم در زبان کُردی بصورت «ماژ» باقی مانده است، ریشه در اصطلاح «مغو» و «مگو» در زبانهای اوستایی و پارسی باستان دارد. واژه مذکور بعدها بشکل «مغ» و «مجوس» در زبانهای فارسی و عربی ظاهر گردید. نگارنده با توجه به برخی شواهد واژه‌شناسی و تاریخی، معتقد است که نام این مکان و همچنین نام دروازه یا محله قدیمی «ماجکان» واقع در شهر تاریخی حلوان (سرپل ذهاب کنونی)، هر دو نامهایی بوده‌اند که در اوایل دوره اسلامی از جانب جمعیت نومسلمانان به پیروان آیین پیشین (زرتشتی یا مهرپرستی) و زیستگاههای مرتبط با آنان اطلاق میشده است.

کلید واژگان

سرماج؛ ماجکان؛ ماج؛ ماژ؛ مگو؛ مجوس؛ مغ؛ ماد

مقدمه

نامهای رایج در بین ساکنان مناطق و نواحی مختلف جغرافیایی، بازتابی از جنبه‌های مختلف فرهنگ عمومی مردم این مناطق در طول سده‌ها و هزاره‌هاست. نامهای خاص، بویژه نام اشخاص و مکانها (جاینامها)، در بسیاری موارد، نمایانگر اعتقادات و باورهای آیینی و مذهبی مردم یک منطقه در یک بازه زمانی یا دوره تاریخی خاص است. بنابراین واژه‌شناسی و بررسی وجه تسمیه جاینامهای قدیمی به پژوهشگران مختلف حوزه‌های تاریخ و باستان‌شناسی کمک میکند تا به درک بهتری از وقایع تاریخی و شواهد مادی برجای مانده مرتبط با منطقه مورد مطالعه خود، دست یابند. اگرچه بسیاری از جاینامهای باستانی بارها و بارها در متون تاریخی مختلف ذکر شده‌اند، اما تاکنون بنا بدلائل مختلفی، ماهیت و چیستی برخی از آنها از نگاه پژوهشگران پنهان مانده است. کشف و بررسی چنین مجهولاتی، از یکسو مستلزم نکته‌سنجی و تیزبینی پژوهشگر و از سوی دیگر، نیازمند آشنایی وی به زبانها و گویشهای بومی و محلی و چند و چون ارتباط آن با زبان رسمی و دیگر زبانهای باستانی رایج در آن منطقه است. بعلاوه، لازم است که پژوهشگر اطلاعات کافی و مناسبی از وضعیت گروههای قومی و مذهبی ساکن در منطقه مورد مطالعه، چه در گذشته و چه در زمان حال، داشته باشد. بدیهی است که چنین کاری در درجه نخست، نیازمند حوصله و دقت فراوان و کنکاش در متون مختلف ادبی و تاریخی و نیز بررسی فرهنگ شفاهی مردمان بومی منطقه مورد مطالعه خواهد بود.

واژه «ماج» که محور بحث پژوهش حاضر است، دست کم در نام دو مکان تاریخی و مهم در استان کرمانشاه دیده میشود. به نام هر دو مکان بارها در متون مختلف، بویژه در متون تاریخی و جغرافیایی قرون نخستین دوره اسلامی از قبیل المسالک و الممالکها اشاره شده است. در این میان، یکی از دو جاینام مورد بحث (سرماج) هنوز هم موجودیت خود را در حکم یک استقرار انسانی، حفظ کرده است، درحالی که جاینام دیگر (محلّه یا دروازه ماجکان در شهر حلوان)، قرن‌هاست که با ویرانی شهر قدیمی (حلوان)، بدست فراموشی سپرده شده و بنظر میرسد که بقایای آن در زیر شهر امروزی سرپل ذهاب مدفون شده است. در این نوشتار به بررسی وجه تسمیه این دو جاینام و ریشه‌شناسی واژه «ماج» در ترکیب آنها خواهیم پرداخت.

سرماج

سرماج، نام روستایی است که امروزه در هفت کیلومتری جنوب شرقی بیستون، در محدودهٔ دشت چمچمال شهرستان هرسین واقع شده است (تصویر ۱). این مکان دارای یک بنای تاریخی بسیار مهم است که در فهرست آثار ملی ایران بعنوان اثری متعلق به دورهٔ ساسانی و اوایل دورهٔ اسلامی به شمارهٔ ۶۹۸۹ به ثبت رسیده است (چهری، ۱۳۹۶) (تصاویر ۲ و ۳). بقایای سازهٔ سنگی و قدیمی سرماج با پلان تقریباً مربع شکل، به ابعاد حدود ۲۹۵ متر در ۲۸۸ متر، بر فراز یک تپه طبیعی بنا شده که پیرامون آن را خندقی احاطه کرده است. امروزه بقایای ساخت و ساز مذکور، در زیر روستای سرماج قرار گرفته است (مرادی، ۱۳۹۷). ترومپلمن و به پیروی از وی، هاینس لوشی و یوسف مرادی معتقدند که بنای سرماج در زمان خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ ق.م)، یعنی در اواخر دورهٔ ساسانی ساخته شده و احتمالاً بقایای همان صه‌بی است که جغرافی‌نویسان عرب از آن بعنوان «دُکان» یاد کرده‌اند (همان، ۱۶۵-۱۶۱). بگفتهٔ مورخان اسلامی در «دکان» پادشاهان جهان از جمله فغفور چین، خاقان تُرک، قیصر روم و پادشاه هند در پیشگاه خسرو پرویز گردهم می‌آمدند (همانجا).

از طرفی مورخان دورهٔ اسلامی چون یاقوت حموی (قرن ششم هجری قمری)، ابن اثیر (قرن ششم هجری قمری)، ابن خلدون (قرن هشتم هجری قمری) و خواندمیر (قرن دهم هجری قمری) به نام سرماج و قلعه آن بعنوان مرکز حکومتی حسنیان اشاره کرده‌اند (یاقوت حموی، ۱۹۷۷.م: ۲۱۵؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵.ق: ۷/۳۸۸؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۵۶، ۷۴۷؛ خواندمیر ۱۳۳۳: ۴۳۸؛ *مجمل التواریخ و القصص*، ۱۳۱۸: ۳۹۴). خاندان حسنویه از عشیره کُرد برزیکانی بودند که در قرون چهارم و پنجم هجری بر بخشهایی از جبال، بویژه قسمتهایی از کرمانشاه، لرستان و کردستان حکومت میکردند (دهنوی، ۱۳۹۳: ۱۰۶؛ چهری، ۱۳۹۶). پژوهشگران با استناد به متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، از جمله کشف سنگ‌نوشته‌هایی به خط کوفی شجری از این مکان، بر این باورند که سرماج محل استقرار فرمانروایان حسنویه و نیز محل دفن امیر حسنویه (ف. ۳۶۹ هـ.ق) بوده است (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۶۳، ۱۷۷). ابودلف، مورخ قرن چهارم هجری قمری، این نام را بصورت «سرماخ» ثبت کرده است (ابودلف، ۱۳۵۴: ۶۶). همچنین در برخی منابع باستان‌شناسی معاصر، نام این مکان با اندکی تغییر بشکل «سرمَج» ثبت شده است (آذرنوش، ۱۳۷۷: ۲۶). به هر حال چنانکه گفته شد، شکل رایجتر جاینام مذکور همان «سرماج» است که در متون مربوط به اوایل دورهٔ اسلامی که عمدتاً به زبان عربی است، اغلب به همین شکل ثبت شده است. تاکنون در هیچ منبع

تاریخی یا پژوهشی، دربارهٔ وجه تسمیه یا دلیل نامگذاری سرماج مطلبی درج نشده و پژوهشگران مختلف هم در اینباره اظهارنظری نکرده‌اند.

دروازهٔ ماجکان

مقدسی، مورخ و جغرافیدان سرشناس عرب قرن چهارم هجری قمری، در کتاب *احسن التقاسیم* خود، در یک اظهارنظر دقیق و پراهمیت، به توصیف شهر قدیم حلوان و محله‌های هشتگانه آن پرداخته و نوشته است:

«حلوان» قصبهٔ کوچکی در کوه و دشت، نزدیک کوهستان (جبال) است که باغهای انگور و انجیر آن را فراگرفته است. بازاری طویل و نهری کوچک و یک کهن‌دژ دارد که جامع شهر در آن واقع است. هشت دروازه دارد: خراسان، باقات، مصلا، یهود، بغداد، برقیط، یهودیه و ماجکان... (مقدسی، ۱۴۱۱ق.: ۷۷).

به نظر میرسد که نام دروازهٔ اخیر شهر حلوان، یعنی «ماجکان»، از لحاظ واژه‌شناسی، پیوندهای آشکاری با نام سرماج دارد؛ هرچند که تاکنون دربارهٔ وجه تسمیه و مفهوم نام «ماجکان» نیز همچون سرماج، هیچگونه اظهارنظری از سوی پژوهشگران نشده است. آنچه که مشخص است از زمان راولینسون در اواسط قرن نوزدهم میلادی تاکنون، بیشتر پژوهشگران، موقعیت شهر تاریخی حلوان را در محدوده شهر سرپل‌ذهاب کنونی واقع در غرب استان کرمانشاه مکان‌یابی کرده‌اند (Rawlinson, 1839: 35; Levine, 1973: 27; Frayne, 1999: 148). حتی نام رودخانه‌یی که امروزه از میانهٔ این شهر میگذرد (آلون در گویش محلی، الوند در منابع رسمی فارسی)، بشکل آشکاری یادآور نام باستانی حلوان است (رضائی، ۱۳۹۷: ۳۷-۵۶).

به هر حال، آثار ارزشمند و شناخته شده‌یی که در داخل یا محدودهٔ شهر امروزی سرپل‌ذهاب قرار دارد، نشان میدهد که این مکان از سپیده‌دم تاریخ تا دوران اسلامی اهمیت داشته و استقرارهای مهمی در آن برپا بوده است. از جمله آثار شاخص این شهر میتوان از نقش برجسته و کتیبهٔ آنوبانی‌نی پادشاه لولوبیها، نقش برجسته و کتیبهٔ ایدی (ن) - سین شاه سیموروم و دو نقش برجستهٔ دیگر در نزدیکی آنها که همگی مربوط به اواخر هزارهٔ سوم یا اوایل هزارهٔ دوم قبل از میلاد هستند، آرامگاه صخره‌یی دکان داوود از دورهٔ ماد یا هخامنشی، نقش برجستهٔ گودرز از دورهٔ اشکانی، قلعهٔ مریم از دورهٔ ساسانی و قلعهٔ گبری از دورهٔ اسلامی نام برد (تصویر ۴). باتوجه به شواهد موجود، بنظر میرسد که بخشهای قدیمتر شهر حلوان در شمال آن، یعنی در امتداد کوهی

قرار دارد که نقوش برجسته یادشده بر آن حجاری شده‌اند. بنابراین بنظر میرسد که موقعیت محلهٔ ماجکان حلوان احتمالاً با محلهٔ «شاهد/شاه‌عباسی» کنونی قابل انطباق است (تصویر ۴). لازم بذکر است که در نتیجهٔ ساخت و سازهای بسیار گسترده و پی‌کنیهای عمیقی که در ماههای اخیر، پس از زلزلهٔ ۲۱ آبان ۱۳۹۶ صورت گرفته است، آثار قابل توجهی در این قسمت از شهر آشکار شده که از آن جمله میتوان به یک گور غنی^۱، احتمالاً متعلق به هزارهٔ دوم قبل از میلاد (تصاویر ۵ و ۶) و نیز قطعات پرشمار سفالی متعلق به دوران تاریخی پیش از اسلام اشاره کرد (مشاهدات نگارنده).

پیشنهادی برای وجه تسمیه جاینامهای سرماج و ماجکان بر پایه ریشه‌شناسی واژهٔ ماج/ماژ چنانکه گفته شد تاکنون درباره وجه تسمیهٔ سرماج و ماجکان و ریشه‌شناسی واژهٔ «ماج» که در هر دو جاینام مشترک است، اظهارنظری نشده است. نگارنده معتقد است واژهٔ «ماج» که در ترکیب جای نامهای «سرماج» و «ماجکان» دیده میشود، تعریب شدهٔ واژهٔ ایرانی «ماژ» است که هنوز هم به همین شکل در زبان کُردی رایج است (هه‌ژار، ۱۳۷۶: ۷۹۱) و به پیروان آیین «زردشتی» یا یک آیین پیش-اسلامی اطلاق میشود. بنظر میرسد که واژهٔ ماج/ماژ با واژهٔ «مُغ» در فارسی نو و واژهٔ «مگو» (magu) (درحالت فاعلی maguš) در کتیبه‌های هخامنشی و زبان پارسی باستان (کنت، ۱۳۸۴: ۶۵۴) از یک ریشه باشد. جالب است که واژهٔ مورد بحث در زبان یونانی بصورت «مگوس» (magos) ثبت شده (همانجا) و به همین ترتیب محتمل است که واژهٔ «مجیک»^۲ در زبان انگلیسی هم از همین ریشه باشد. بعلاوه واژهٔ «مگو» و «مگوس» در منابع اسلامی بصورت «مجوس» معرب شده است. نام «مجوس» یکبار نیز در سورهٔ حج، آیهٔ ۱۷، قرآن کریم ذکر شده است. در منابع دورهٔ اسلامی، اصطلاح «مجوس» هم برای پیروان دین مزدیسنا یا زرتشتیان بکار رفته و هم به گروهی از ایرانیان باستان اطلاق میشده که به دو مبدأ نور و ظلمت و یزدان و اهرمن قائل بودند و پیش از ظهور زرتشت میزیستند (شهری برآبادی، ۱۳۶۵: ۱۶۸). مطابق گفته هروودت

۱. بنا به اخباری که از منابع موثق حاصل شد و همچنین بازدید متعاقب نگارنده از محل، این گور در تابستان ۱۳۹۷ هـ.ش، توسط دو کارگر غیربومی، از پی یک بنای در حال ساخت کشف گردید و متأسفانه پیش از آنکه ارگانهای دولتی ذیربط آگاهی یابند، بخش زیادی از اشیاء ارزشمند درون آن، شامل اشیاء طلائی، غارت شد و ربایندگان آن نیز متواری شدند. کمی پس از این اتفاق، بخشی از اشیاء درون این گور شامل ظروف سفالین، سلاح و جنگ‌افزارهای فلزی و دو حلقهٔ کوچک طلائی، توسط نمایندگان میراث فرهنگی از بقایای این گور بدست آمد (تصویر ۶).

(Herodotus, 1861: I/110) قرن پنجم قبل از میلاد)، مغها یکی از قبایل ششگانه مادی بودند (Herodotus, 1861: I/110) که در عین حال امور روحانی و مراسم مذهبی را در دست داشتند (رضی، ۱۳۸۴: ۲۱۶). «مغها» را میتوان مهمترین گروه مذهبی یا طبقه دینی در ایران باستان، بویژه در دوران ماد و هخامنشی بشمار آورد.

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد، نگارنده معتقد است که جاینام «سرماج» از دو جزء «سر» و «ماج» ساخته شده که بخش دوم بمعنی ماژ و مغ است. نگارنده برای جزء اول نام «سرماج» یعنی «سر» دو معنی محتملتر پیشنهاد میکند:

۱. بمعنی «رئیس» و «بزرگ» (عمید، ۱۳۸۹: ۶۳۹) که در آنصورت کل ترکیب سرماج بمعنی مکانی است که نزد ماژها (زرتشتیان) قطب بوده و عبارتی مرکز رهبری ماژها (مجوس) بشمار میرفته است. با توجه به اهمیت این منطقه در قرون اولیه اسلامی و پیش از آن، درستی چنین فرضی محتمل است، بویژه آنکه برپایه شواهد باستان‌شناختی موجود، قلعه سرماج، بقایای یک سازه عظیم است که در اواخر دوره ساسانی و در قرون اولیه دوره اسلامی نقش مهمی در وقایع سیاسی این منطقه داشته است (لوشی، ۱۳۸۵؛ چهری، ۱۳۹۶؛ ساریخانی و ناصری، ۱۳۹۴: ۱۵۹).
 ۲. «سر» بمعنی «بالا» در کردی، فارسی و پهلوی (هه‌ژار، ۱۳۷۶: ۴۳۲؛ عمید، ۱۳۸۹: ۶۳۹؛ مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۳۳)، مشابه پسوند «علیا» در نام برخی از روستاهای امروزی است که در اینصورت نام سرماج بمعنی منطقه ماژنشین بالا یا ماژ علیا خواهد بود.

به همین صورت در مورد واژه «ماجکان» نیز میتوان گفت که واژه مذکور تعریف شده واژه ایرانی «ماژکان» است که جزء نخست آن یعنی «ماج/ماژ» با واژه مغ در زبان فارسی یکسان است. اما جزء دوم، یعنی «کان»، پسوند جمع است که هنوز هم در گویش بومی کردی منطقه سرپل ذهاب رایج است.^۱ البته «کان» در زبانهای کردی و فارسی پسوند مکان نیز محسوب میشود. بنابراین مشخص میشود که ترکیب ماجکان بمعنی «ماژها» یا منطقه «ماژنشین» بوده و نام ماجکان به یک گروه دینی ساکن در شهر حلوان در قرن چهارم هجری اشاره دارد که با احتمال فراوان آیینشان، همان آیین باستانی ساکنان شهر بوده است.^۲

«برناج»، جاینام دیگری در همین منطقه است که ممکن است بتوان نام آن را نیز به گروه

۱. برای نمونه: مالکان (خانه‌ها)، منالکان (بچه‌ها)، گُرکان (پسرها) و...

۲. در واقع بسیار محتمل است که ساکنان این بخش از شهر قدیمی، اجداد پیروان آیین یارسان (اهل حق) بوده‌اند که امروزه بخش قابل توجهی از جمعیت شهر سرپل ذهاب (حدود یک سوم) را بخود اختصاص داده‌اند.

مورد بحث افزود. «برناج» در ۲۲ کیلومتری شمال غربی سرماج و ۱۵ کیلومتری شمال غربی بیستون واقع شده است. واژه «ناژ» در زبان کردی به درخت صنوبر اطلاق میشود (هه‌ژار، ۱۳۷۶: ۸۵۳) که ممکن است دلیل نامگذاری این مکان باشد، اما از طرفی هم دور از ذهن نیست که جاینام مذکور تغییر شکل یافته «برماج» یا «برماژ» باشد که بخش نخست آن یعنی «بر» در زبان کُردی بمعنی «پایین»، «پیش» و «سنگ» (مخفف برد) بکار میرود (همان: ۷۰). اگر معنی پیشنهادی اخیر (سنگ) درست باشد، در آنصورت نام «برماج» یا «برماژ» بمعنی «سنگ ماژ» (مشابه سنگ گبر) خواهد بود که در آنصورت شاید اشاره به گوردخمهٔ باستانی و معروف این مکان دارد. امروزه دخمهٔ مذکور بعنوان اثری از دورهٔ ساسانی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. احتمال دیگر آن است که جاینام «برناج/برماژ» بمعنی «ماژ پایین» یا ماژ سفلی باشد که در آنصورت میتوان این مکان را به همراه جاینام «سرماج» ابتدا و انتهای منطقهٔ ماژنشین حوزهٔ بیستون تلقی کرد. آنچه که به اعتقاد نگارنده قطعی بنظر میرسد، هر دو جاینام سرماج و ماجکان پیوند آشکاری را با اصطلاح «ماژ» و آیین مرتبط به آن نشان میدهند. نکتهٔ آخر آنکه بنظر میرسد «سرماج» و «ماژکان» نامهایی هستند که صرفاً پس از ورود دین اسلام به منطقه، یعنی در قرون نخستین دورهٔ اسلامی، از جانب اکثریت نومسلمان، به اقلیت وفادار به آیین پیشین اطلاق میشده است.

نتیجه‌گیری

چنانکه ملاحظه شد، این پژوهش به بررسی وجه تسمیهٔ دو جاینام باستانی و قدیمی سرماج و ماجکان اختصاص دارد. هر دو مکان مذکور از لحاظ باستان‌شناسی و تاریخی حائز اهمیت هستند، زیرا سرماج دارای یک قلعه مهم ساسانی-اسلامی بوده و مدتی نیز مرکز حکومتی خاندان حسنویه بوده است. ماجکان نیز بخشی از شهر تاریخی و مهم حلوان بوده که موقعیت آن با شهر سرپل ذهاب کنونی قابل انطباق است. نتیجهٔ این پژوهش نشان میدهد که «ماژ» و «ماج» شکل دیگری از تلفظ واژهٔ «مغ» است که در دورهٔ اسلامی، در بخشهایی از منطقهٔ ماد باستان، از جمله در استان کرمانشاه کنونی، رایج بوده است. بنابراین میتوان گفت که ماجها پیروان آیین قدیمی رایج در منطقه بوده‌اند که در قرن چهارم هجری هنوز جمعیت قابل توجهی از آنها در بخشهایی از سرپل ذهاب و نواحی اطراف بیستون و هرسین کنونی ساکن بوده است. مناطق استقرار ماژها، نزد جمعیت مسلمان پیرامونی به نواحی ماژنشین معروف بوده و با نامهایی چون «سرماج» و «ماجکان» از نقاط دیگر متمایز میشده است.

تصاویر



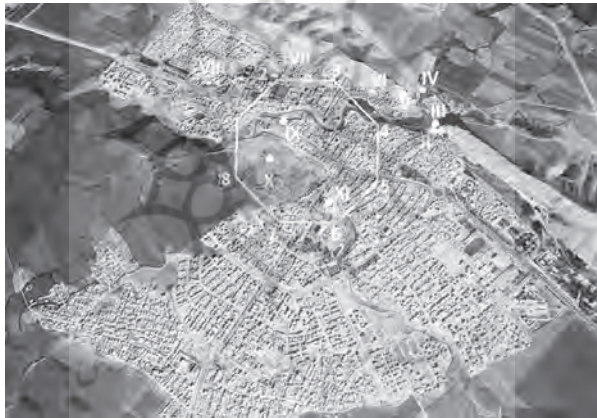
تصویر ۱: عکس هوایی از روستا و قلعهٔ سرماج واقع در شهرستان هرسین (Schmidt 1940:p1.103)



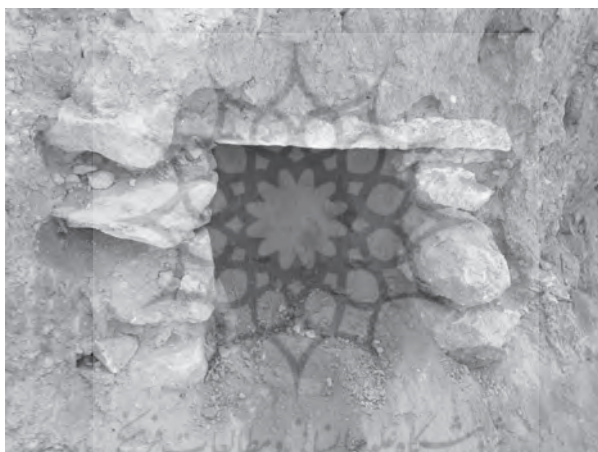
تصویر ۲: موقعیت مکانی بنای تاریخی سرماج در زیر بافت خانه‌های مسکونی جدید (مرادی، ۱۳۹۷: نقشه ۲)



تصویر ۳: دیوار قلعه سرماج و سنگهای تراش خورده نوع ساسانی که در بنای آن بکار رفته است (منبع: آرشیو پایگاه میراث جهانی بیستون)



تصویر ۴: مکان‌یابی پیشنهادی نگارنده برای شهر تاریخی حلوان و موقعیت برخی دروازه‌ها یا محله‌های هشتگانه آن بر روی نقشه هوایی شهر امروزی سریل‌ذهاب (منبع: گوگل ارث با تغییراتی توسط نگارنده): ۱) دروازهٔ بغداد، ۲) دروازهٔ برقیط، ۳) دروازهٔ ماجکان، ۴) دروازهٔ باغات، ۵) دروازهٔ خراسان، ۶) دروازهٔ مصلی، ۷) دروازهٔ یهودیه، ۸) دروازهٔ یهود. آثار شاخص باستانی و قدیمی شهر با اعداد رومی مشخص شده است: I. نقش برجسته کتیبه‌دار آنوبانی‌نی، II. نقش برجسته کتیبه‌دار گودرز اشکانی، III. نقش برجسته ابتدای هزاره دوم قبل از میلاد، IV. نقش برجسته دیگری متعلق به ابتدای هزاره دوم قبل از میلاد، V. نقش برجسته کتیبه‌دار ایدین-سین، VI. گور باستانی که در جریان ساخت و سازهای پس از زلزلهٔ ۱۳۹۶ آشکار و بخشی از اشیاء نفیس آن غارت شد، VII. گورستان باستانی به طول صدها متر که بیشتر بقایای آن بسبب ساخت و سازهای مسکونی اخیر تخریب شده است. VIII. بقایای محوطهٔ باستانی، IX. قلعه گبری، X. بقایای محوطهٔ تاریخی و استقرار مرتبط با قلعه گبری، XI. بقعهٔ احمدبن اسحق (قرن سوم هجری) از صحابهٔ امام حسن عسکری (ع).



تصاویر ۵ و ۶: نمای دور و نزدیک از گوری که در تابستان ۱۳۹۷ از محله شاه‌عباسی سرپل‌ذهاب، در فاصله چند صد متری جنوب غربی نقش‌برجسته ایدین-سین، هنگام پی‌کنی عمیق یک بنا توسط ماشین‌آلات خاکبرداری آشکار و در همان لحظات نخستین، بخش مهمی از اشیاء نفیس آن توسط کارگران حاضر در محل غارت شد (عکس از سعید مرادی).



تصویر ۷: بخشی از اشیاء باقیمانده در گور سرپل ذهاب در لحظه کشف توسط نمایندگان میراث فرهنگی، شامل ظروف سفالی، جنگ افزارهای فلزی و دو حلقه طلایی (عکس از سعید مرادی).

منابع فارسی

- آذرنوش، مسعود؛ «کاوش کنگاور»، ترجمه فاطمه کریمی، اثر، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۷.
- ابن اثیر، علی بن محمد؛ *الکامل فی التاریخ*، الجزء ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ *العبر: تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ابودلف خزرچی، مسعرین مهلهل؛ *سفرنامه ابودلف در ایران*، تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار، ۱۳۵۴.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله؛ *مُعجم البلدان*، بیروت: دارصادر، ۱۹۷۷ م/ ۱۳۹۷ ق.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین؛ *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران: کتابخانه خیام، ۱۳۳۳.
- چهری، محمد اقبال؛ چهری، رامین؛ «بنای سنگی سرماج، قلعه‌ای از دوره حسنویه بر روی سازه‌ای ساسانی»، *پژوهشهای باستان‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره سیزدهم، ۱۳۹۶.
- دهنوی، نظام علی؛ «حکومت بنی حسنویه از ظهور تا سقوط (۳۳۰ تا ۴۰۶ ه.ق)»، *پژوهشهای تاریخی*، دوره ششم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- رضائی، ایرج؛ از «خلمان تا الون: سرگذشت چهار هزار ساله یک جاینام باستانی (سرپل ذهاب)»، *پژوهشهای ایران‌شناسی*، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- رضی، هاشم؛ *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۴.
- ساریخانی، مجید؛ ناصری، پریسا؛ «تحلیلی بر جایگاه تاریخی هرسین در دوره ساسانی»، *مجله مطالعات ایرانی*، سال چهاردهم، شماره ۲۸، ۱۳۹۴.

- شهری برآبادی، محمد؛ «نگاهی به مجوس در منابع اسلامی» مشکوة، شماره یازدهم، ۱۳۶۵.
- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی، ویراستار عزیزالله علیزاده، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
- کنت، رولاند گراپ؛ فارسی باستان: دستور زبان، متون، واژه نامه، ترجمه و تحقیق سعید عریان، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشگاه، پژوهشکده زبان و گویش، ۱۳۸۴.
- لوشی، هاینس؛ ۱۳۸۵، «سنگهای مکعب مستطیل شکل در بیستون» در بیستون: کاوشها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷م، بکوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۵.
- مجمل التواریخ و القصص، باهتمام محمد رضانی، تصحیح محمدتقی بهار، تهران: کلاله خاور، ۱۳۱۸.
- مرادی، یوسف؛ «سرماج دکان: محل گردهمایی پادشاهان جهان»، پژوهشهای باستان‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره هفدهم، ۱۳۹۷.
- مقدسی، محمد بن احمد؛ أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق.
- مکنزی، دن؛ فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- هه‌ژار (شرفکنندی)، عبدالرحمن؛ فرهنگ کُردی فارسی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.

منابع انگلیسی

- Frayne, D.R., "The Zagros Campaigns of Sulgi and Amar-Suena", in *Studies on the Civilization and Culture of Nuzi and Hurrians*, Rim project, Toronto. pp. 141-201, 1999.
- Herodotus., *The Histories*, Translated by George Rawlinson, New York, Book 1, 1861.
- Levine, L.D., "Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros I", *Iran*, vol. XI, pp.1-28, 1973.
- Rawlinson, M., "Notes on a March from Zohab, at the foot of Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from thence through the province of Luristan to Kirmanshah, in the year 1836", *journal of the royal geographical society of London*, vol.9, 26.2-116, 1839.
- Schmidt, E. F. S., *Flights over ancient cities of Iran*, the University of Chicago press, 1940.